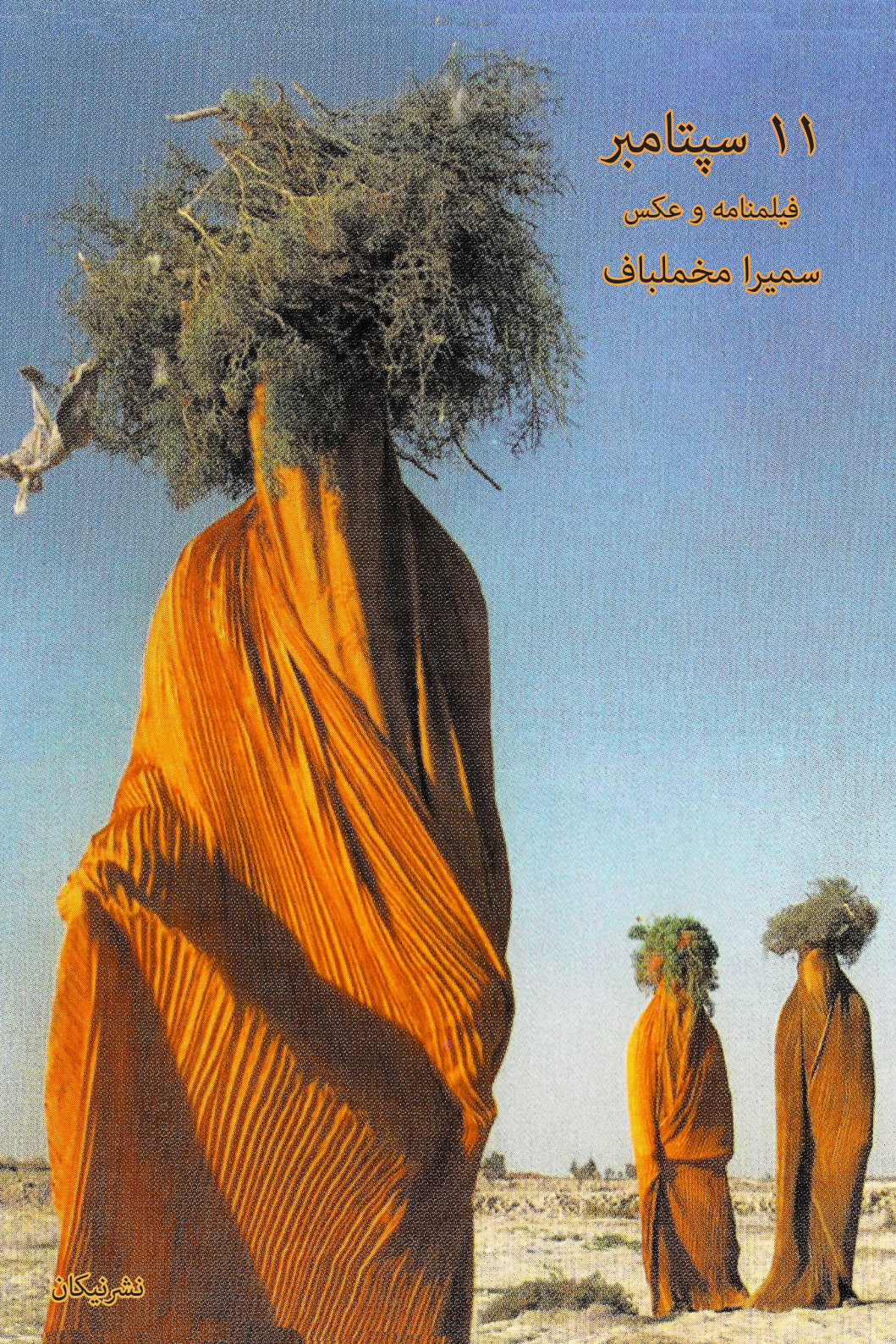


۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا مخملباف



۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا مخملباف

نشر نیکان

۱۱ سپتامبر

. سمیرا مخملباف

. فیلمنامه و عکس

. چاپ اول: نشر نیکان، لندن، ۲۰۲۴

. کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تیتراژ:

نام فیلم: ۱۱ سپتامبر

نام اپیزود: «خدا، ساختن، تخریب»

فیلمنامه و کارگردانی: سمیرا مخملباف

بازیگران: مریم کریمی، عصمت، عاقله

مدیر فیلمبرداری: ابراهیم غفوری

صدابردار صحنه: ساسان باقرپور

دستیارکارگردان: مرضیه مشکینی

اکبر مشکینی

منشی صحنه: حنا مخملباف

مدیر تولید: سیامک علاقه‌بند

عکاس: محمد احمدی

صدا گذاری: حسین مهدوی

تدوین: محسن مخملباف

تهیه کننده: کمپانی یونیورسال

تایم: ۱۱ دقیقه و ۹ ثانیه و ۱ فریم

۳۵ میلیمتری، رنگی

اولین حضور جهانی: جشنواره ونیز سال ۲۰۰۲

تاریخ اکران جهانی: اولین سالگرد ۱۱ سپتامبر در کشورهای جهان



بیوگرافی

سمیرا مخملباف، سینماگر. متولد ۲۶ بهمن ۱۳۵۸ در تهران. در ۸ سالگی در فیلم بایسیکل‌ران ساخته پدرش محسن مخملباف بازی کرد. در سن ۱۷ سالگی فیلم سینمایی «سیب» را ساخت و به عنوان جوان‌ترین کارگردان جهان در بخش رسمی فستیوال کن (۱۹۹۸) حضور یافت. «ژان لوک گدار» بارها سمیرا را به خاطر فیلم سیب ستایش کرد و گفت: «اگر سالی دو سه فیلم شبیه سیب ساخته شود، سینما هنوز نمرده است.» فیلم سیب در ظرف دو سال به بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی دعوت شد و در بیش از ۳۰ کشور جهان اکران شد و سیزده جایزه بین‌المللی از جمله جام ساترلند را از جشنواره لندن برای سینمای ایران به دست آورد.

در سال ۱۹۹۹، سمیرا دومین فیلم سینمایی خود به نام «تخته سیاه» را ساخت. و در سال ۲۰۰۰ وقتی که وی ۲۰ ساله بود در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن حضور یافت و جایزه ویژه هیات داوران را برای فیلم تخته سیاه از آن خود ساخت. تخته سیاه هم‌چنین برنده جایزه مدال فلینی از یونسکو و جایزه تروفو از ایتالیا شد. فیلم در سراسر جهان اکران شد و بیش از ۲۰۰ هزار نفر در پاریس برای دیدن این فیلم به سینما رفتند.

در سال ۲۰۰۱ سمیرا فیلم کوتاه خدا، ساختن، تخریب را ساخت که به عنوان اولین اپیزود از فیلم ۱۱ سپتامبر قرار داده شد. در این فیلم کن لوچ از انگلیس، ایمامورا از ژاپن، یوسف شاهین از مصر، شان پن از آمریکا هر یک اپیزودی از فیلم را ساختند که در ونیز سال ۲۰۰۲ به نمایش درآمد.

سومین ساخته سینمایی سمیرا به نام «پنج عصر» که اولین فیلم سینمایی ساخته شده در افغانستان پس از دوره طالبان است، در سال ۲۰۰۲ در کابل فیلم‌برداری شد و در سال ۲۰۰۳ در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن حضور یافت. سمیرا بار دیگر موفق به دریافت جایزه ویژه هیأت داوران از بخش مسابقه اصلی جشنواره کن شد. گاردین در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ او را به عنوان یکی از ۴۰ کارگردان برتر جهان معرفی کرد.

چهارمین ساخته سینمایی سمیرا به نام «اسب دوپا» در سال ۲۰۰۷ در شمال افغانستان ساخته شد و برنده جایزه بزرگ

جشنواره سن سباستین از اسپانیا شد.

کارگردانی فیلم:

۱. اسب دوپا

۲. پنج عصر

۳. ۱۱ سپتامبر

۴. تخته سیاه

۵. سب

جوایز بین‌المللی:

۱. «جایزه ویژه هیئت داوران» از بخش مسابقه اصلی جشنواره

فیلم کن، فرانسه ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)

۲. جایزه «ویژه هیات داوران» از بخش مسابقه اصلی جشنواره

کن، فرانسه ۲۰۰۳ (به خاطر فیلم پنج عصر)

۳. «جایزه صلح» از یونسکو، فرانسه ۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته

سیاه)

۴. جایزه «ویژه هیئت داوران» از پنجاه و ششمین جشنواره

بین‌المللی فیلم سن سباستین، اسپانیا ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب

دوپا)

۵. جایزه «فرانسوا تروفو» از جشنواره فیلم جیفونی، ایتالیا ۲۰۰۰

(به خاطر فیلم تخته سیاه)

۶. جایزه «جام ساترلند» از جشنواره فیلم لندن، انگلستان

۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سب)

۷. جایزه «مدال فدریکو فلینی» از یونسکو، فرانسه ۲۰۰۰ (به

خاطر فیلم تخته سیاه)

۸. جایزه «پرده نقره‌ای» هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم

سنگاپور ۲۰۰۴ (به خاطر فیلم پنج عصر)

۹. جایزه «طاووس طلایی» برای بهترین فیلم در بخش مسابقه

سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم هند، برای فیلم «پنج

عصر»

۱۰. «جایزه منتقدین بین‌المللی» از جشنواره فیلم لوکارنو، سوئیس

۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)

۱۱. جایزه «ویژه» از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی رم،

ایتالیا ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب دوپا)

۱۲. جایزه «جُرج دلرو» برای بهترین موسیقی فیلم، از جشنواره

بین‌المللی فیلم گنت، بلژیک ۲۰۰۸ (به خاطر فیلم اسب دوپا)

۱۳. سمیرا به عنوان یکی از چهار فیلمساز برتر معاصر جهان (و

جوان‌ترین آنها) به انتخاب گاردین، انگلیس ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵

۱۴. جایزه بزرگ «اکومینیک» از جشنواره فیلم کن، فرانسه ۲۰۰۳

(به خاطر فیلم پنج عصر)

۱۵. جایزه «بزرگ از موسسه فیلم آمریکا» (AFI) ۲۰۰۰ (به خاطر

فیلم تخته سیاه)

۱۶. جایزه «شهر جیفونی» از جشنواره فیلم جیفونی، ایتالیا

۲۰۰۰ (به خاطر فیلم تخته سیاه)

۱۷. جایزه «تماشاگران» از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین ۱۹۹۹

(به خاطر فیلم سیب)

۱۸. جایزه «منتقدین» از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین

۱۹۹۹ (به خاطر فیلم سیب)

۱۹. «جایزه ویژه هیئت داوران» از جشنواره سینمای مستقل، آرژانتین ۱۹۹۹ (به خاطر فیلم سیب)
۲۰. جایزه «ویژه هیئت داوران» از جشنواره فیلم سائوپائولو، برزیل ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)
۲۱. جایزه «ویژه هیئت داوران» از جشنواره فیلم تسالونیک، یونان ۱۹۹۸ (به خاطر فیلم سیب)
۲۲. جایزه «آلیس گی» از جشنواره سیرا اسپانیا ۲۰۱۳ (به خاطر استعداد بدون شک سمیرا در سینما، و مبارزه برای آزادی بیان.»

داوری در جشنواره‌های بین‌المللی:

۱. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم کن در فرانسه سال ۲۰۰۱
۲. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز در ایتالیا سال ۲۰۰۰
۳. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم برلین در سال ۲۰۰۴
۴. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو در سوئیس سال ۱۹۹۸
۵. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم سن سباستین در اسپانیا ۲۰۰۹
۶. رییس هیات داوران جشنواره ونیز (Venice Days) در ایتالیا ۲۰۱۷
۷. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم ادینبورگ در اسکاتلند ۲۰۱۳
۸. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم گوتنبرگ در سوئد ۲۰۱۳
۹. ریاست هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال در کانادا ۲۰۰۳
۱۰. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو در روسیه ۲۰۰۰

۱۱. داوری در جشنواره بین‌المللی فیلم اتودیا انیما در لهستان

۲۰۱۲

۱۲. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم آمستردام در هلند ۲۰۱۲

۱۳. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم داکو لیسبوآ در پرتقال ۲۰۱۲

۱۴. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم داکوفست در کوزوو ۲۰۱۲

۱۵. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم بمبئی در هند ۲۰۱۰

۱۶. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا در هند ۲۰۰۸

۱۷. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم سائوپائولو در برزیل ۲۰۰۸

۱۸. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم اروپا آسیا در ترکیه ۲۰۰۶

۱۹. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم قطر در دوحه ۲۰۰۱

۲۰. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم ژنو در سوئیس ۲۰۰۰

۲۱. داوری جشنواره بین‌المللی فیلم بمبئی در هند ۲۰۱۰

مرور بر آثار بین‌المللی:

۱. جشنواره بین‌المللی مونیخ، آلمان ۲۰۰۶

۲. جشنواره بین‌المللی کارلوویواری، جمهوری چک ۲۰۰۴

۳. جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا در هند ۲۰۰۸

۴. جشنواره بین‌المللی زنان در آلمان ۲۰۰۸

۱۱ سپتامبر فیلم اپیزودیک

فیلم ۱۱ سپتامبر توسط ۱۱ کارگردان از ۱۱ کشور جهان درباره حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ ساخته شد. همه فیلم‌سازان برگزیده برای این مجموعه، با نگاهی مستقل و متفاوت به این موضوع پرداختند:

سمیرا مخملباف از ایران، شان پن از آمریکا، کن لوچ از انگلیس، یوسف شاهین از مصر، آموس گیتای از اسرائیل، میرانایر از هند، کلود لوش از فرانسه، شوهه ایمورا از ژاپن، الکساندرو گونزالس از مکزیک، دانیس تانوویچ از بوسنی و...

زمان هر يك از این فیلم‌های کوتاه که يك مجموعه اپیزوديك را شکل می‌دهد، یازده دقیقه و نه ثانیه و يك فریم است، به نشانه روز یازدهم از ماه نهم از سال دو هزار و يك.

اپیزود خدا، ساختن، تخریب، ساخته سمیرا مخملباف اولین فیلم این مجموعه است.

۱۱ سپتامبر

(خدا، ساختن، تخریب)

سمیرا مخملباف

حاشیه شهر تهران، بیابان، روز:

مردانی با لباس افغانی دور هم جمع شده‌اند. یکی از آن میان سر طنابی را که به چوبی وصل است می‌کشد و از انبوه مردان دور می‌شود و به عمق بیابان می‌رود. کم کم معلوم می‌شود طنابی که مرد می‌کشد، به سطلی در عمق چاه آبی وصل است. سطل از چاه بیرون می‌آید. آب گل آلود است.

صدای يك مرد:

بابا زود باشین، آمریکا می‌خواد افغانستان رو بمبارون کنه. باید پناهگاه درست کنیم.

صدای مرد دیگر:

تمام چاه‌های آب خشک شده، نمی‌تونیم گل درست کنیم.

محوطه خشت زنی، روز:

کودکان پنج و شش ساله، پاچه شلوارهایشان را بالا زده، گل‌ها را لگد می‌کنند تا برای خشت‌زنی آماده شوند. عاقله دختر موبور پنج ساله‌ای که روسری گل‌داری بر سر دارد، سطل آب را بر گل‌ها می‌ریزد و کنار عصمت پسر پنج ساله‌ای که سرش را با دستار بسته است می‌نشیند.

عاقله:

يك نفر افتاده توی چاه مرده، بعد یه نفر دیگه رفته
کمک‌اش کنه، افتاده توی چاه پاش شکسته.

عصمت:

(در حالی که گل‌ها را در قالب خشت می‌ریزد.) یه نفر نبود،
دو نفر بود، داشتن چاه می‌کندن، افتادن توی چاه و
مُردند. یکی شون بابای چمن بود، یکی اش بابای حسن.

عاقله:

بابای چمن هنوز مرده، پاش شکسته.



یکی از بچه ها:

(از دور فریاد می‌زند). بلند شین بیاین سرِ کلاس، خانوم معلم اومده.

عاقله:

(به عصمت) خانوم معلم اومد.

عصمت:

سر قالب خشت رو بگیر بلندش کنیم.
خانوم معلم از دور می‌آید. گونی‌ای بر دوش دارد. از کنار بچه‌هایی که در حال خشت‌زنی هستند عبور می‌کند. صدای آواز محزون يك زن شنیده می‌شود.



معلم:

بچه‌ها بلند شین بیاین سرکلاس. با این خشت‌ها که نمی‌شه جلوی بمب اتمی رو گرفت. درسته که ما افغانی هستیم، ولی فعلا در کشور ایران پناهنده‌ایم.

یکی از بچه‌ها:

سلام خانوم معلم.

معلم:

پاشین بیاین سر کلاس دیر شد، ساعت هشت صبحه.

دالان کوره آجرپزی، ادامه:

معلم وارد دالان می‌شود. دالان کوره آجرپزی که از آرک‌های خشتی شکل گرفته و رنگ آن از پختگی به قهوه‌ای تیره می‌زند، محوطه کلاس درس بچه‌هاست. در عمق دالان که در غبار پوشیده شده، تعدادی از بچه‌ها خشت‌ها را روی هم می‌چینند تا برای نشستن شاگردان کلاس صندلی درست کنند.

معلم:

(فریاد می‌زند.) حسن، بچه‌ها کجا هستن؟

حسن:

همی دونم خانوم.

معلم:

برو صداشون کن بیان.

معلم و حسن از دالان خارج می‌شوند.

کوچه پسکوچه‌های مخروطه اطراف، ادامه:

کوچه‌های مخروطه پر از دود و غبارند. زنانی که چادر گلدار کهنه بر سر دارند، در کوچه آشپزی می‌کنند. بچه‌ها پای برهنه کوچه را جارو می‌کنند.

معلم:

بچه‌ها چرا هنوز نرفتین سر کلاس؟

يك بچه:

خانوم به من كتاب بدین.

معلم:

(از گونی روی دوشش كتاب در می آورد.) بیا این كتاب.
(به چند بچه دیگر) شماها بیاین مدرسه تا بهتون
كتاب بدم.

یکی از زنها:

(که در حال آشپزی است.) خانوم معلم بفرمایین آش
بخورین.



يك زن دیگر:

خانوم معلم، به بچه منم كتاب بدین.

معلم:

اگه بیان سر کلاس، بهشون كتاب می دم.
معلم از میان بچه های خشتزن عبور می کند.

معلم:

سه میلیون مهاجر افغان توی ایران زندگی

می‌کنن، هر بلایی سر اونا بیاد، سر ما هم می‌آد.
بلندشین بیاین سر کلاس، خشتزی رو ول کنین. با این
خشت‌ها که نمی‌شه جلوی بمب‌های امریکا رو
گرفت. مادرها بچه‌هاتونو بفرستین سر کلاس.

دالان کوره آجر پزی، لحظه‌ای بعد:

کلاس درس تشکیل شده است. بچه‌ها کتاب در دست، روی
صندلی‌های خشتی نشسته‌اند.

معلم:

(رو به بچه‌ها) بچه‌ها یه اتفاق خیلی مهم توی دنیا
افتاده. کی خبر داره که چی شده؟
دو سه نفر از بچه‌ها دست‌شان را بالا می‌برند.

معلم:

عصمت تو بگو عزیزم.

عصمت:

یک نفر چاه می‌کنده، دو نفر افتادن توی چاه و مُردن.



عاقله:

خانوم اجازه من بگم؟

معلم:

بگو.

عاقله:

يك نفر چاه رو گود کرده، دو نفر افتادن توی چاه،
یکی شون مرده، یکی شون پاش شکسته.

معلم:

نه از این مهم تره... کی خبر داره؟ تو بگو نجیبه.

نجیبه:

خانوم می شه در گوش تون بگم.

معلم:

در گوشی نمی شه. بگو همه بشنون.

نجیبه:

خانوم من می خوام در گوش تون بگم.

معلم:

همیشه بلند بگو همه بشنون.

نجیبه:

خاله منو توی افغانستان بردن تا گلو توی خاک
کردن، بعد با سنگ زدن توی سرش تا مُرده.

عاقله:

خاله شو توی افغانستان توی خاک فرو...

عاقله حرفش را ناتمام می گذارد و بچه ها به او می خندند.

معلم:

نه بچه‌ها، یه خبر مهم‌تره. یه خبر جهانی. این
اتفاقی که افتاده خیلی مهمه.
بچه‌ها با چشمان حیرت‌زده به معلم نگاه می‌کنند.

آمنه:

خانوم اجازه من بگم. بارون اومده، سیل شده،
آدم‌ها کشته شدن.
بچه‌ها به حرف آمنه می‌خندند.



معلم:

نه بچه‌ها، یه اتفاق خیلی مهم جهانی افتاده، که
شاید جنگ جهانی سوم شروع بشه. شاید بمب‌های
اتمی بندازن و همه ما کشته بشیم. بذارین خودم
بگم. در آمریکا، در شهر نیویورک، دو تا هواپیما
خوردن به برج‌های تجارت جهانی... شما اصلا
می‌دونین برج چیه؟ همه به بیرون نگاه کنین.
بچه‌ها از حفره‌های دالان به بیرون نگاه می‌کنند. دودکش کوره

آجرپزی سر به آسمان کشیده است.

معلم:

برج به مانند این دودکش کوره آجرپزی می‌مانه.
حالا که می‌دونین برج چیه، کی می‌دونه این برج‌ها
رو کی نابود کرده؟

بچه‌ها سر به سوی معلم می‌چرخانند.

عصمت:

خانوم اجازه من بگم؟

معلم:

بگو.

عصمت:

اونارو خدا خراب کرده.

عاقله:

(با دست به شانه عصمت می‌زند. با خنده.) نخیر خدا
خراب نکرده. خدا فقط آدم‌ها رو خراب می‌کنه...
خدا که هواپیما نداره... خدا آدم‌ها رو درست ...

معلم:

همه به من نگاه کنین. (تکه کوچکی از يك تخته
سیاه را از زمین برمی‌دارد و در دست می‌گیرد.) همه
چشم‌هاتون طرفِ من. (روی تخته يك دایره می‌کشد.)
این عکس يك ساعته. (جای عدد دوازده را نشان
می‌دهد و انگشتش را مثل عقربه ساعت يك دور کامل
دور دایره می‌چرخاند.) از اینجا شروع می‌کنیم تا
برمی‌گردیم به اینجا، می‌شه یه دقیقه. يك دقیقه

به احترام کشته شده‌گان در برج‌های تجارت جهانی سکوت می‌کنیم. (عاقله سر می‌چرخاند و با بچه‌های پشت سر خود مشغول پچ پچ می‌شود.) ساکت. يك دقیقه سکوت از همین الان شروع می‌شه.



حسن:

(به عاقله) خدا اول همه چی رو درست می‌کنه. بعد خراب می‌کنه، بعد دوباره درست می‌کنه.

عاقله:

خدا که دیوونه نیست که مردم رو بکشه و دوباره دوست کنه.

معلم:

(فریاد می‌زند.) مگه نگفتم حرف نزنین. چه خبرتونه؟ خوبه که بچه هستین، معصویت رو حفظ کن.

آمنه:

(با هیجان دست بلند می‌کند) اجازه خانوم عاقله چیز

رو (سکوت) خراب می‌کنه.

عاقله:

(بی‌اعتنا به معلم، با بچه‌های پشت سر به پچ پچ ادامه می‌دهد.) خدا که هواپیما نداره بکشه.



حسن:

خدا با ناخن‌اش می‌زنه آدم‌ها می‌میرند.

انگشت معلم که نقش عقربه ساعت را دارد تا نیمه دایره ساعت رفته است. معلم زیر چشمی به بچه‌هایی که سکوت را رعایت نمی‌کنند، می‌نگرد.

عاقله:

(چشم از معلم می‌گیرد، دستش را جلوی دهانش می‌گذارد، آهسته و زیر لبی در گوش عصمت نجوا می‌کند.) خدا که دیوونه نیست مردمو بکشه!

عصمت:

(با صدای بلند) خدا آدم‌هارو می‌کشه، یه آدم‌های جدید درست می‌کنه.

عاقله:

خب چرا آدم‌های قدیمی‌رو نگه نمی‌داره؟



عصمت:

خب آدم‌های جدید درست می‌کنه دیگه... اصلا خودش خداس، هر چی دلش می‌خواد می‌کنه. انگشت معلم به عدد دوازده می‌رسد. تخته سیاه را زمین می‌گذارد.

معلم:

يك دقیقه خلاص شد، اما شما برای اون کشته شده‌ها سکوت نکردین. شاید یکی از اونا با موبایل تماس گرفته باشه و کمک می‌خواسته... اصلا می‌دونین موبایل چیه?... موبایل چیزیه که باهش شماره می‌گیرن. تلفنی هست که سیم نداره. يك نفر هی داد می‌زده، کمک کمک. اما کسی پیدا نمی‌شده که کمکش کنه. حالا که شما به خاطر اونا سکوت نکردین، پاشین بریم بیرون کنار دودکش

کوره آجر پزی، بینیم می‌تونین سکوت کنین یا نه.
بچه‌ها از دالان خارج می‌شوند.

زیر دودکش کوره آجر پزی، لحظه ای بعد:
بچه‌ها زیر دودکش آجرپزی صف کشیده‌اند. دودکش از
شعله‌های آتش روزه می‌کشد.



معلم:

به اون آدم‌هایی فکر کنین که وسط اون برج،
زیر آوار و آتیش موندن... از الان سکوت رو شروع
می‌کنیم.
بچه‌های کوچک به دودکش بلند نگاه می‌کنند. عصمت که
دستش را سایه‌بان چشمش کرده، رو به معلم می‌چرخد.

عصمت:

خانوم اجازه، اگه حرف‌مون اومد، چیکار کنیم؟



معلم:

لب هاتونو گاز بگیرین و به دودکش نگاه کنین
عصمت لب هایش را با دندان می گزد و به دودکش نگاه
می کند. از دور صدای محزون آواز زنانی به گوش می رسد. صدای
آواز زنان زیر صدای آتش دودکش گم می شود.

تهران

پاییز ۲۰۰۱

سمیرا مخملباف

افغانستان

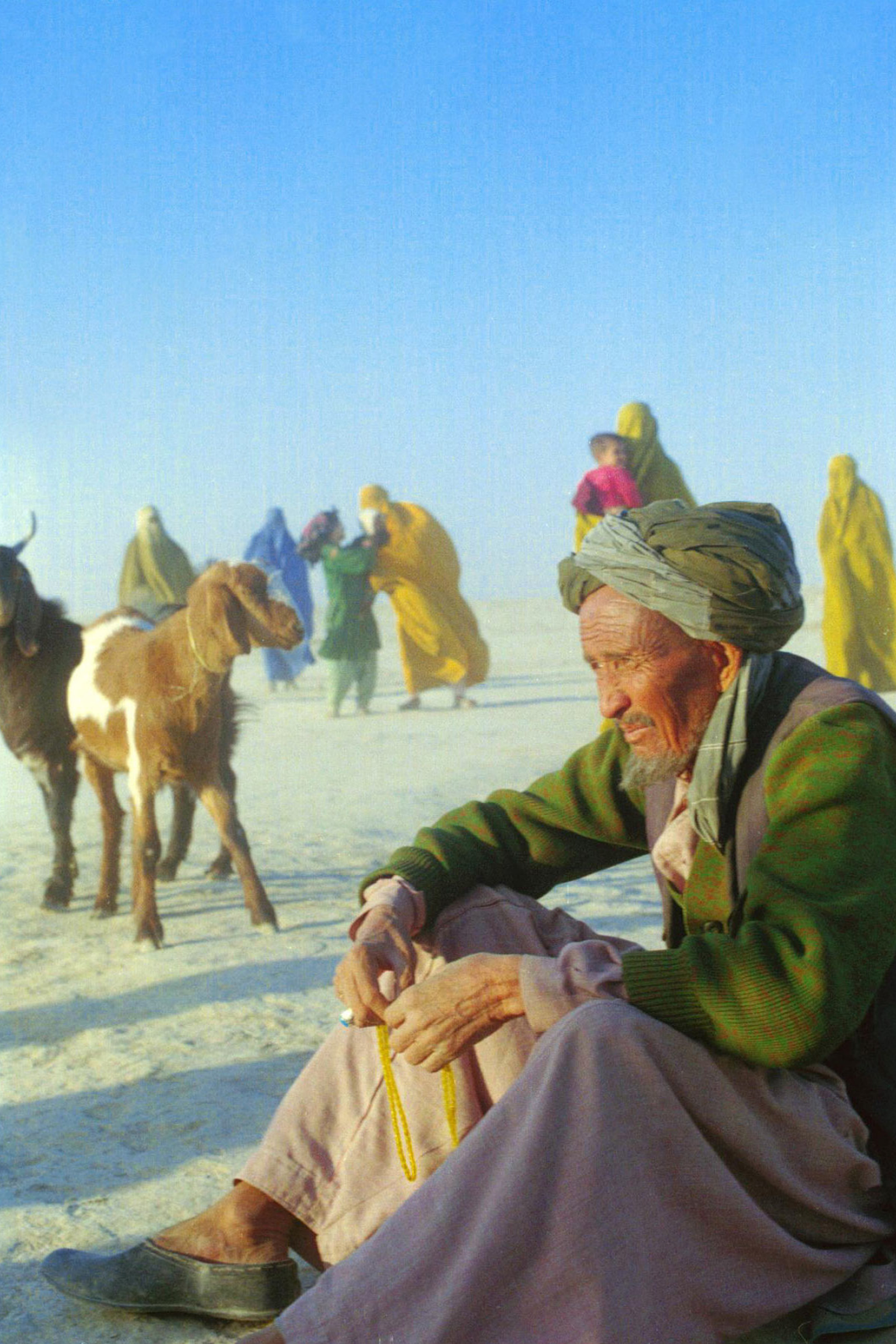
مجموعه عکس

سمیرا مخملباف

نمایشگاه عکس افغانستان سمیرا در سال

۲۰۰۱ در کاخ فستیوال کن همزمان با

برگزاری جشنواره بر پا شد.

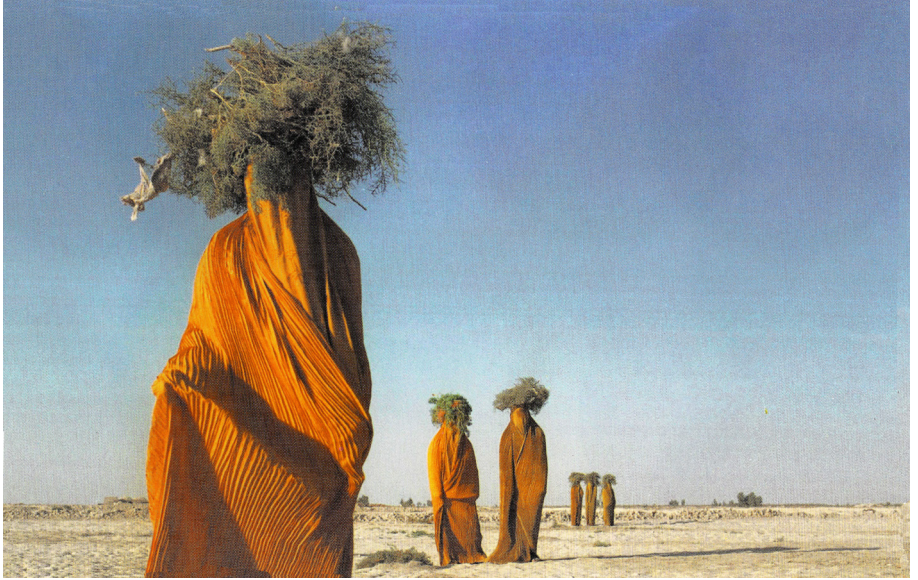






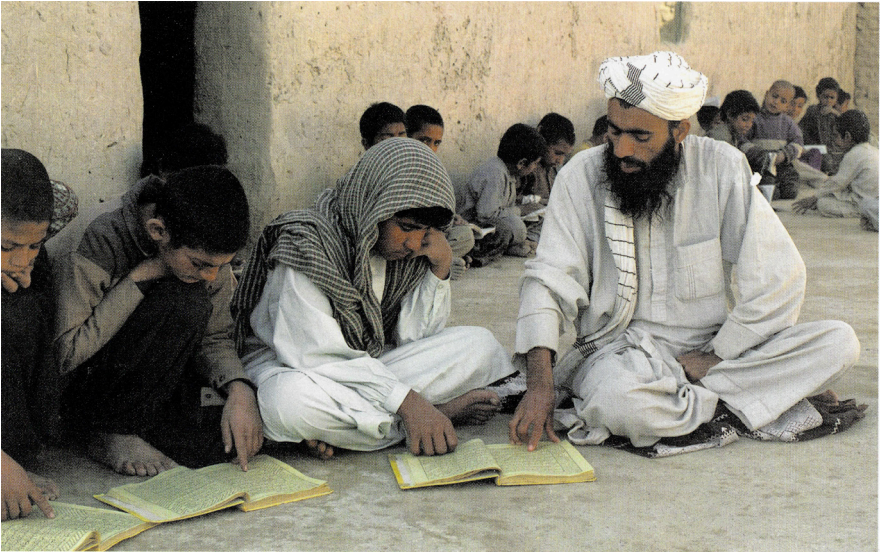






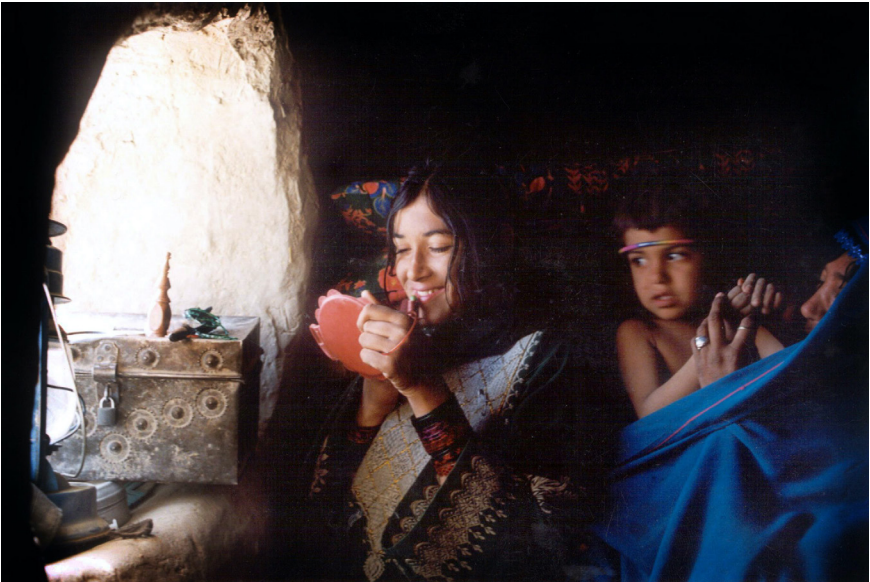
















۱۱ سپتامبر

فیلمنامه و عکس

سمیرا مخملباف

